هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

ملیشه سازی
بحران می سازد نه امنیت
ص۲

برنامهء جمع آوری اسلحه و چالش ها
ص۳

از ملوک الطوایفی تا حکومت ملی
ص۲

دور هفتم سال پنجم شمارهٔ نهم چهارشنبه ۲۴ جوزا ۱۳۸۵ ۱۷ جمادی الأول ۱۴۲۶ — June 14 , 2006

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در همایش تقدیر از برندگان دومین مسابقهء شعر و ادب مسعود در ۱۷ جوزا در انترکانتیننتال کابل:

افتخارات جهاد و مقاومت در شعر و ادب حماسی و در شعر تصوف و عرفان این کشور ثبت شده است

اگر ما زمانی به تاریخ جهاد و مقاومت کشورمان نظری بیفگنیم در می یابیم که این دوران نه تنها دوران مبارزهء مسلحانه بوده است بلکه فرهنگی را ایجاد نمود که اشعار حماسی دوران جهاد و مقاومت و اشعار عرفانی و ادبی که به یاد شهیدان زنده یاد سروده شد موجب درخشش هرچه بیشتر فرهنگ کشورما گردید ص۳





همایشی در تقدیر از برندگان دومین مسابقهء شعر و ادب مسعود برگزار گردید



احمدضیاء مسعود معاون اول رئیس جمهور:

یاد کرد از شخصیت ها، الگوها وافتخارات در واقع جاودان ساختن روح بشری است. ومادر این محفل به تمجید از آفرینش گرانی می پردازیم، که جنبه های مختلف زندگی قهرمان ملی مارا در اشعارشان بازتاب داده اند

***

مارشال محمد قسیم فهیم مشاور ارشد رئیس جمهور:

این حق مسلم برماست که همیشه از قهرمانان، تاریخ سازان وارزش سازان کشور خود قدردانی کنم

***

سید مصطفی کاظمی نماینده، مردم کابل در مجلس نمایندگان:

بهتر است قرائت خودرا از تاریخ معاصر مملکت خود باهم نزدیک بسازیم، ما یکی از ستارگان تاریخ حوادث اخیر در افغانستان که مادر امتداد آن قرار داریم شهید مسهود است

ص۷

نمایشگاه کتابی در سالن مطبوعاتی میوند

در سالن مطبوعاتی میوند به ابتکار مسؤول آن آقای نصیر عبدالرحمن نمایشگاهی از کتاب دایر شده است که از روز ۲۰ جوزا آغاز گردیده و تا ۲۷ همین ماه دوام خواهد کرد.

آقای نصیر عبدالرحمن گفت این نخستین نمایشگاه کتابی است که از سوی افغانستانی ها مدیریت و برگزار می شود و تا هنوز چند نمایشگاه کتابی در کابل دایر شده است همه از سوی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران برگزار شده است.

او گفت: در این نمایشگاه شش کتاب فروشی با بیش از سه هزار جلد کتاب شرکت ورزیده است.

۶۵٪ کتاب های نمایشگاه در بیرون از کشور، ایران و پاکستان و ۳۵٪ در داخل کشور به چاپ رسیده است.

آقای نصیر عبدالرحمن گفت: کتاب های دینی و ادبی و آموزش زبان انگلیسی پر فروش ترین کتاب هاست. و روزانه لااقل هزار نفر از این نمایشگاه دیدن می کند و سطح خرید کتاب هم از حد توقع ما بالاست. او گفت: به دلیل استقبال زیاد مردم احتمالاً به مدت مقرر نمایشگاه افزوده خواهد شد.

این نمایشگاه کتاب اگر - لااقل - با نمایشگاه های کتاب در کشورهای همسایه مان مقایسه شود تفاوتی زیاد خواهیم دید، به هر حال این را نمایشگاه کتاب می توان از گام هایی نخست در جهت ترویج فرهنگ کتاب خوانی در جامعه تلقی کرد و باید از گردانندگی آن تشکر نمود.

در آستانهء تجلیل از روز مادر

مادر آیندهء نسل های ماست

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی صندوق پستی: ۲۲۶
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

ملیشه سازی بحران می سازد نه امنیت

در یک ماه اخیر جهت جلوگیری از گسترش بی امنی ها و مقابله با نیروهای طالبان و القاعده سخن از تشکیل گروه های مسلح ملیشه به میان آمده است. این سخن وقتی جدی گرفته شد که عملاً گروه هایی در برخی از ولایات از جمله کنر تشکیل شدند؛ اسدالله وفا والی کنر تشکیل چنین گروهی در کنر را پذیرفت و آن را برای مقابله با دشمنان مسلح دولت سودمند خواند. دیروز کریم رحیمی سخنگوی ریاست جمهوری در یک کنفرانس خبری ملیشه سازی از سوی دولت را رد کرد اما تشکیل گروه های مسلح از مردم را در اینولایات پذیرفت و آن را جهت حفظ امنیت مناطق شان مفید خواند و گفت که این گروه ها زیر فرمان پلیس دولت فعالیت خواهند کرد و این همان ملیشه سازی است هرچند تعبیرش فرق کند اما دیروز برخی از رسانه ها از تشکیل گروه های ملیشه لااقل در سه ولسوالی ولایت فراه خبر دادند، و فرمانده، امنیه، فراه در مصاحبه یی با یکی از رسانه گفت که گروه های ملیشه، تازه تشکیل شده به گونه، مستقل جهت تأمین امنیت محلات خودشان فعالیت می کنند وتحت مدیریت و کنترل نیروهای پلیس دولت قرار ندارند.

ملیشه سازی در جنوب و جنوب شرق در حالی صورت می گیرد که وجود گروه ها و افراد مسلح یکی از عوامل عدم ثبات و بی امنی درکشور خوانده شده است و از آغاز تحول جدید تا کنون در دو برنامه، خلع سلاح عمومی به نام های دی دی آر و دایاگ گروه ها و افراد مسلح و حتی بیشترینه، افراد و افسران نیروهای پیشین ارتش خلع سلاح شدند.

هرچند به گونه، علنی گفته نمی شد اما بسیار واضح بود و هست که هدف از برنامه های دی دی آر و دایاگ خلع سلاح کردن مجاهدین پیشین بوده است. اگر با نیروهای مسلح مجاهدین و افسران پیشین اردو منصفانه و عادلانه برخورد می شد امروز دولت کمتر به چالش های دفاعی و امنیتی کنونی رو به رو می گردید و نیاز به ملیشه سازی پیدا نمی کرد.

تشکیل گروه های ملیشه نه تنها از مشکل دفاعی و امنیتی دولت نخواهد کاست بلکه تجربه، نه چندان دور نشان می دهد که این موضوع خود چالش هایی تازه را فرا راه دولت خواهد گذاشت.

یکی از این چالش ها این است که برنامه های دولت را بیشتر از پیش در دید و وجدان مردم غیر ملی و غیرفراگیر معرفی کند و دولت با این کار به جای این که در جهت تحکیم وحدت ملی و دماندن روح برادری و برابری درمیان اقوام و مناطق گونه گون کشور گام بردارد عملاً در جهت جدایی قومی و تشدید بحران اعتماد بین شمال و جنوب خواهد پرداخت: چون دولت به هیچ وجهی نمی تواند به این تناقض آشکار پاسخ بگوید که چگونه سلاح های افرادی را در ولایات مرکزی و شمال و غرب کشور به دلیل اخلال امنیت جمع می کند و افرادی به این گونه را در ولایات جنوب و جنوب شرق به دلیل خراب شدن اوضاع امنیتی در گروه هایی خارج از تشکیلات نظامی دولت سازماندهی و در بدل حقوقی ماهیانه استخدام می کند.

ملیشه سازی دولت در این ولایات این تصور را در ذهن مردمان ولایات دیگر کشور زنده خواهد کرد که هر قدر امنیت و ثبات در مناطق ما بیشتر پای بگیرد ـدر حالی که در برخی از مناطق بحران امنیت وجود دارد ـبه همان پیمانه سلاح های مان را از دست خواهیم داد و مورد بی توجهی دولت قرار خواهیم گرفت.

به باور ما روند ملیشه سازی نه تنها دولت را در چالش های امنیتی اش یاری نمی رساند بل چالش هایی تازه، امنیتی و بی اعتمادی را در سراسر ولایات کشور برایش ایجاد می کند. لهذا راه درست برخورد با چالش های امنیتی و مبارزه با نیروهای مسلح مخالف نظام تقویت ساختار و نیروی اردوی ملی و پلیس ملی است، به گونه یی که از همه نیروهای مجاهد و وفادار به کشور در آن ها استفاده صورت پذیرد و در جهت ملی سازی دفاع و امنیت کشور گام هایی سنجیده و لازم برداشته شود. اما ملیشه سازی گذشته از عوارضی که گفته آمد، در افغانستان تجربه یی نا کام است که گمان نمی رود جز زیان سودی به بار آرد.

از ملوک الطوایفی تا حکومت ملی

دکتر نصری حق شناس

چشم داشت ملت افغانستان برآن بود تا پس از خروج نیروهای اشغالگر وتأسیس حکومت مجاهدین نفسی به راحت خواهند کشید و رنج والم چندین ساله را در پرتو نظم وقانون وتعمیم وتطبیق عدالت اسلامی فراموش خواهند کرد. ولی متأسفانه دورهٔ کار مجاهدین (به دلایلی که طی تدوین کتاب جداگانه یی تشریح خواهد شد) ثمر مطلوب و دلخواهی بار نیاورد، وبسیاری افرادی هم که در سنگر جهاد بودند و از همه دست اندازی ها وکج راهه رفتن ها اجتناب داشتند، یا موهومانه جان سپردند، ویا قربانی حفظ «شخصیت» و متانت اسلامی و افغانی خود گردیدند وکم کم کنار زده شدند. اما تعدادی سود جو وابن الوقت، خود را درمقام وکیل و وصی و نایب وهمه کاره جازدند وسهم وحشمت یک قوم مجاهد و مظلوم وسنگر نشین وزحمت کش را به شکل انحصاری از آن خود کردند.

توطئه سازان داخلی وخارجی هم یا حسب خصلت سودجویی ومصالح آتی، ویا در ظلمت نا آگاهی ونا آشنایی با محیط و مردم، همچو افراد را باب میل و مراد خود انگاشتند و برتأیید وتقویت آنها صحه نهادند. لذا از«بن» تا«پولی تکنیک کابل» نوعی سُر سُر وسازش صورت گرفت، وملت افغانستان نا خواسته ویا خوشباورانه قربانی این «بده وبستان» نهانی وپشت پرده گردید.

مردم افغانستان امیدوار بودند که در دورهٔ نو وتحول جدید با توجه به تجارب تلخ وشیرینی که طی دهه های اخیر اندوخته شده بود، بنیاد کار پخته تر پی ریزی خواهد شد وتوقعات عامه در«قانون اساسی» تجلی خواهد یافت. اما همگان شاهد بودند و دیدیم که منافع شخصی بر مصالح ملی رجحان یافت وبدون آن که آراء و ارادهٔ مردم در آن نقش ببندد، از سواد به بیاض کشیده شد و رسماً مورد بهره برداری قرار گرفت!

تمرکز قدرت در یک کشور شاید برای عدهٔ محدودی مطلوب باشد، ولی این وضع با دموکراسی، مردم گرایی، عدالت اجتماعی و حکومت ملی منافات دارد. زیرا قدرت مطلق به استبداد، واستبداد به فساد مطلق منتهی می شود و چنین وضعی هر چند با زور و زر توأم گردد، دیرپا وسود مند نخواهد بود. قدرت مطلق، بی اعتنایی وزورگویی بار می آورد ومسؤولان را از واقعیت های جامعه و درک مشکلات مردم به دور نگه می دارد. ممکن است همه کارها در مدار قدرت تکیه زند وظواهر امر به نحوی که خواست سرکار باشد، سر و سامان یابد. ولی اختصاص صلاحیت ها به شکل انحصاری آن حیثیت سد کلوخینی را خواهد داشت که دیر یا زود از هم می پاشد و در برابر طوفان خشم اجتماع نمی تواند حایلی ایجاد کند.

من فکر می کنم که افغانستان هیچ گاه تا این حد آشفته وبیمار نبوده است وهرگاه در بهبود اوضاع توجهی مبذول نگردد وبی نظمی ها وعنان گسیختگی های موجود کماکان ادامه یابد، بنای هستی ما از هم خواهد پاشید وملوک الطوایفی بر نظم وقانون پیشی خواهد گرفت.

دزد را دزدگیر مقرر کردن، موتر بخشیدن و امتیاز دادن به این وآن که هریک در حد خودش رشوهٔ سیاسی نامیده می شود، نه تنها دردی را مداوا نمی کند و از رنج و آلام مردم نمی کاهد، بلکه بر نا رضایتی ها دامن می زند وبر وقار واعتبار سیاسی دولت زیان می رساند.

تأمین امنیت، مستلزم تعمیم عدالت است، وعدالت جز با تطبیق قانون ورعایت خواست قانونی مردم هرگز وهرگز تحقق نخواهد یافت.

جلوگیری قاطع و عملی از دزدی ها تا خودسری ها وخیره گری ها، رجحان ضوابط بر روابط، رفع نا به سامانی ها و نفی هرگونه تبعیض وتضاد از جملهٔ اولویت هایی است که امنیت وعدالت را دریک جامعه استحکام می بخشد و مردم را با دولت در یک صف قرار می دهد. درغیر آن اجتماع (ولو هر قدر هم ضعیف وگرسنه و بی احساس باشد) حیثیت انبار باروتی را به

تعیینات وانتخابات پنج سال اخیر مؤید آن است که در تقرر افراد، استعداد واستحقاق وسوابق آنها کمتر مورد توجه بوده وآنچه صورت پذیرفته است، اغلب بر اساس یک سلسله خوشباوری ها، سفارش ها، و احیانا پیشنهادهایی می باشد که یا از اعتماد جناب آقای کرزی سوءِ استفاده شده و یا در شناسایی، تقوا، کار آگاهی واهلیت مسؤولان ادارات، به گونهء باید وشاید، اهتمامی به عمل نیامده است

خود خواهد گرفت که با یک جرقه مشتعل می شود، وخشک و تر را به کام خویش فرو می برد.

توطئه وتهدید وتوهین وترفند وتخویف، به هر اندازه هم که ماهرانه وتوأم با اعمال زور وفشار باشد، به صورت قاطع وجدی از میهن برداشته آید و استعداد و

افغانستان هیچ گاه تا این حد آشفته وبیمار نبوده است وهرگاه در بهبود اوضاع توجهی مبذول نگردد وبی نظمی ها وعنان گسیختگی های موجود کماکان ادامه یابد، بنای هستی ما از هم خواهد پاشید وملوک الطوایفی بر نظم وقانون پیشی خواهد گرفت

استحقاق بر وکالت وسفاهت وملاحظات شخصی پیشی گیرد اما این آرزو تعبیر واژگونه خواهد داشت وچنانچه در پنج سال اخیر شاهد آن بودیم، نه تنها اقتضای میهن و مصالح ملی، سرلوحهٔ کار و اهداف سیاسی قرار داده نشد، بلکه کردارها وگرایش ها به نحو دیگری متبلور شد و قدرت و حاکمیت ملی عملاً نفی گردید. حتی شعارهای ما باعمل یکسان نبود ومفهوم دموکراسی عملاً «تحقق» نیافت!

جناب رئیس دولت که فکر می شد یک نفر افغان است وبه دردها وبد بختی ها ونارسایی های ملی و مردمی عمیقاً آشنایی دارد، خواست عامه را برخشنودی این وآن ترجیح خواهد داد، ودر نتیجه نه تنها دردی درمان نشد، بلکه تضادهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی وسیاسی رو به رشد نهاد ویأس و نفرت و نومیدی بر دل ها سایه افگند. دزدان وغارتگران از موقع سود جستند وکار بدعت و بد راهی به حدی رسید که هر یک کوس «لمن الملک» نواخت، و «انا ربکم الأعلی» گفت وهرچه دلش خواست انجام داد.

ضعف وزبونی دستگاه، عدم نظم و دسپلین، مسابقه در اعمار قصر و خرید «کروزین» و نبض خفته و بی حرکت مسؤولان عده یی را چنان گستاخ وپر رو نمود که حتی گاهی اسلام و انسانیت را فراموش کردند، روابط بر ضوابط تقدم یافت، و دزد و اوباش و خاین و جانی، به صفت دزدگیر انتخاب گردید. و به جای آن که بهبودی در کارها پدید آید و در تقرر و تعیین افراد، دقت به عمل آید، اوضاع بدتر شد وخود سری ها وخود کامگی ها شدت گرفت.

اگر وضع بدین منوال باشد و بی عدالتی ها وملاحظات شخصی و احیاناً پشت پرده وسفارشی، کما کان ادامه یابد، وجود رئیس جمهور، و رعایت نظم و عدل و قانون و امنیت ملی، خواه نا خواه منتفی می گردد.

واین گونه رفتار وکردار ممثل «ملوک الطوایفی» خواهد بود، تا یک نظام ملی و متکی بر نظم وعدالت وقانون.

به عقیدهٔ بنده مشکل اساسی کارها وکشورداری در عدم شناخت، عدم تشخیص، عدم رعایت قوانین، و اهمال در اصول وضوابط نهفته است. و تعیینات وانتخابات پنج سال اخیر مؤید آن است که در تقرر افراد، استعداد واستحقاق وسوابق آنها کمتر مورد توجه بوده وآنچه صورت پذیرفته است، اغلب بر اساس یک سلسله خوشباوری ها، سفارش ها، و احیاناً پیشنهادهایی می باشد که یا از اعتماد جناب آقای کرزی سوءِ استفاده شده و یا در شناسایی، تقوا، کار آگاهی واهلیت مسؤولان ادارات، به گونهء باید وشاید، اهتمامی به عمل نیامده است. این که قرآن کریم «تقوا» را معیار قرار می دهد و در سپردن امانت به اهل آن تاکید می ورزد، بزرگ درسی است در همین راستا ولاغیر!

من بر این باورم که بازسازی را به اشتباه گرفتیم و «کمیت» را بر «کیفیت» ترجیح دادیم. سعی کردیم تا به پای دیگران بگذاریم و کار آگاهی ولیاقت خویش را در«تقلید» وخشنودی این و آن به نیایش بگذاریم. ولی در شناخت جامعه، خواست مردم، و اقتضای محیط اهمال کردیم. آنچه لازم بود و انتظار می رفت در اولین گام مورد توجه وعمل قرار گیرد، اعمار یک ملت واحدی بود و درس و تلقین و تعمیم «وحدت ملی» و از میان بردن تمایلات غیر موجه و امتیازات بی مورد « من وما» ولی متأسفانه به جای آن که اهم مساعی ما دراین خواست ملی ومنطقی بسیج می گردید، و درس برادری وبرابری در گوش ها طنین می افگند، توسن درک و دریافت و احساس ما عملاً در لجن تضاد وتفرقه فرو رفت. به حدی که « نژاد پرستی» بر وحدت خواهی و انسان گرایی سبقت گرفت و ساز و برگ اندیشهء ما در همین محور متمرکز گردید. متأسفانه مسؤولان امور وآنانی که لاف دانش وفرهنگ می زدند، در این باره کاری انجام ندادند، واین پندار چنان در تار و پود ما ریشه دوانید که از «پارلمان» تا «گلخانه» تعمیم یافت و نهال نورستهٔ آزادی و آرزوها را درهم خشکید. شاید در این معرکه آرایی ها عده یی نام و نان کمایی کرده باشند، لیکن اثرات آن بر بی امنی ها، صف آرایی های قومی، و انارشی وتک تازی ولگام گسیختگی وایجاد عقده های ضد دولتی عملاً و علماً غیر قابل انکار است. ص۷

افتخارات جهاد و مقاومت در شعر و ادب حماسی و در شعر تصوف و عرفان این کشور ثبت شده است

الحمدلله و کفي و سلام علي عباده الذین اصطفي وبعد:

درود فراوان به روان پاک سپه سالار شهداء و همه یاران و همسنگرا ن شهیدان و سلام به آل همهٔ شهیدان که با صبر و صلابت این راه پرافتخار را تا پایان ادامه می دهند و به پیش می برند و سپاس از بنیاد مسعود شهید که با برگزاری این محفل در این لحظات ما یک بار دیگر به یاد آن حماسه سازان تاریخ کشور عزیزمان می افتیم.

بدون شک همه به این حقیقت باور داریم که خداوند متعال می فرماید: **(ولاتقولوا لمن یقتل في سبیل الله أمواتاً)** "کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده نخوانید". یقیناً شهیدان در تاریخ با خون پاک شان حماسه های بزرگی را رقم زده اند و در پیش گاه خدا و در وجدان ملت ها و در ضمیر تاریخ آن ها برای همیش زنده هستند. یاد آنان زینت بخش فرهنگ و ادبیات، سخن سخنوران و شعر شاعران و مضمون نویسندگان است چنانچه امروز ما شاهد این حقیقت هستیم. مسعود شهید نه تنها به عنوان یکی از چهره های پر افتخار در تاریخ معاصر کشورمان به حساب می آید بلکه در تاریخ جهان اسلام افتخارات بزرگی را نصیب ملت های مسلمان و آزادگان جهان ساخت و همین افتخارات است که مضمون شعر شاعران و سخنان سخنوران را می سازد. مسعود شهید تنها در شعر و سخنان شاعران و نویسندگان افغانستان خلاصه نمی شود بلکه شاعران و نویسندگان کشورهای دیگر نیز این شخصیت بزرگ را در اشعار بلند خود به تصویر در آورده اند.

اگر ما زمانی به تاریخ جهاد و مقاومت کشورمان نظری بیفگنیم در می یابیم که این دوران نه تنها دوران مبارزهٔ مسلحانه بوده است بلکه فرهنگی را ایجاد نمود که اشعار حماسی دوران جهاد و مقاومت و اشعار عرفانی و ادبی که به یاد شهیدان زنده یاد سروده شد موجب درخشش هرچه بیشتر فرهنگ کشورما گردید.

یقیناً شعر، غزل، نثر و... در ادبیات حماسی فرهنگ ملت ها یکی از افتخارات بزرگی است و ملت های آزادی خواه همواره می کوشند تا حماسه آفرینی قهرمانان آزادی خواه شان را با قلم و اندیشه و سرودن اشعار زنده نگه دارند و این حرکت تا قیام قیامت ادامه خواهد داشت.

مجلس امروزی ما نیز به منظور زنده نگه داشتن یاد شهیدان جهاد و مقاومت افغانستان به ویژه سپه سالار شهید احمدشاه مسعود برگزار گردیده است. در این شکی نیست که برخی ها می خواهند این بخش پر عظمت تاریخ کشورمان را با غوغا آفرینی هایی از اوراق تاریخ بزدایند در حالی که افتخارات جهاد و مقاومت در شعر و ادب حماسی و تصوف و عرفان این کشور ثبت شده است و آنها بیهوده به خود رنج می دهند.

امروز که ما و شما به برکت خون شهیدان و دلیر مردان جهاد و مقاومت دارای نظام و حکومت هستیم و دلیر مردان ما نیز به خاطر بر آورده شدن همین هدف به خاطر رضای خدا شهادت را به زندگانی دنیا ترجیح دادند تا شاهد افغانستانی سربلند، آزاد و آباد باشند و فضای امن و سلامتی و ثبات بر آن حاکم باشد بناءً مسؤولیت همهٔ ما و شما این است تا در راستای آبادانی این کشور تلاش کنیم و نگذاریم که کشورما باردیگر آماج مداخلات بیگانگان گردد. ملت ما همانگونه که در راستای آزادی و استقلال این کشور قربانی داد و معجزهٔ قرن را آفرید بایسته است تا دست به دست هم داده بکوشد که در تمام عرصه ها مبتکر و نیز سازنده باشد.

شهیدان ما به این منظور قربانی نداده اند تا هموطنان شان فقیر و نیازمند

مجلس امروزی ما نیز به منظور زنده نگه داشتن یاد شهیدان جهاد و مقاومت افغانستان به ویژه سپه سالار شهید احمدشاه مسعود برگزار گردیده است

***

شعر، غزل، نثر و... در ادبیات حماسی فرهنگ ملت ها یکی از افتخارات بزرگی است و ملت های آزادی خواه همواره می کوشند تا حماسه آفرینی

قهرمانان آزادی خواه شان را با قلم و اندیشه و سرودن اشعار زنده نگه دارند و این حرکت تا قیام قیامت ادامه خواهد داشت

***

امروز آن دلیر مردان به خصوص سپه سالار شهدا درمیان ما نیست ولی روح پاک شان از فراز بهشت برین به سوی این ملت می نگرد که آیا این ملت به سوی همان اهداف روان است؟

کمک دیگران باشند. آنان به این منظور نرزمیدند تا ملت شان در صف کشورهای عقب مانده قرار گیرد بلکه آنان جان های عزیز شان را به منظور سربلندی کشورشان فدا کردند و آرزو داشتند کشورشان چنانکه درمیان کشورهای دیگر به نام ام البلاد یاد می شد، و مهد تمدن تلقی می گردید و به جهان پیام علم و دانش و فرهنگ و مدنیت می داد، بار دیگر نیز این ملت و فرزندانش پس از آزادی و شکست تجاوزگران همچون گذشته ها سربلند و با افتخار باشند.

امروز آن دلیر مردان به خصوص سپه سالار شهدا درمیان ما نیست ولی روح پاک شان از فراز بهشت برین به سوی این ملت می نگرد که آیا این ملت به سوی همان اهداف روان است؟ آیا این ملت آرزوهای آنان را برآورده ساخته است؟ زمانی که آنان به عنوان ملت یکپارچه در دفاع از آزادی و ارزش های والای دینی شان می رزمیدند و فرقی میان تاجیک و پشتون، ترکمن و ازبیک، هزاره و بلوچ و پشه یی و عرب وجود نداشت آیا اکنون نیز این روحیه در زندگی این ملت وجود دارد؟ دیروز همه با شور و شوق در دفاع از این سرزمین همه هست و بود شان را فداء می نمودند آیا امروز در جهت بازسازی کشورشان دست با دست هم داده تلاش می ورزند؟ تناقضات و اختلافات بیهوده یی که عامل عمدهٔ عقب ماندگی و محرومیت این ملت است، آیا اکنون هم این ملت همین راه را تعقیب می کند؟

من یقین دارم که ملت مؤمن، نسل متعهد و انسان های دلسوز این کشور همیشه برای بر آوردن آرمان شهیدان تلاش خواهند کرد و ملت ما شهیدانش را نه تنها به عنوان یک خاطرهٔ با ارزش در ذهنش حفظ می کند که به عنوان یک مکتب و ایدئولوژی راه آنان را تعقیب خواهد کرد. امیدوار هستم که تدویر چنین همایش هایی باعث قدردانی از شعراء عزیزی گردد که برای شهیدان و حماسه سازان شعر سرودند و می سراید. و همانگونه که اشعار مولانا و حافظ و سنایی و... از جایگاه بلندی در ادبیات معاصر جهان برخوردار هست تدویر چنین همایش هایی نیز گامی باشد برای راه یافتن اشعار شاعران شعر حماسی معاصر ما در ادبیات معاصر جهان. شعرای با استعدادما بدون شک در فرهنگ و ادبیات شرق جایگاهی بزرگ را دراند چنانچه اشعار مولانا و سنایی به زبان های مختلفی ترجمه شده است و در این اواخر درکشورهای فرهنگ پرور مانند فرانسه و کشورهای دیگر اروپایی در دانشگاه ها و مراکز ادبی شان دیوان های شعر مولانا و حافظ را ترجمه می کنند و می خوانند. چنانچه در این روزها می بینم اشعار مولانا در شرق میانه به ویژه در کشورهای عربی نیز مورد توجه خاصی قرار گرفته است و از افکار بلند این شاعران ـ که ما به وجود آنها افتخار می کنیم ـ به عنوان عالی ترین اندیشمندان انسانی استقبال می کنند.

امروز یکبار دیگر شاعران ما با سرایش اشعار شیرین و ادبیات دلنشین خود حماسه های جدید را می آفرینند. بدون شک این حماسه ها همچون حماسه های آزادی بخش جهاد و مقاومت بخشی از افتخارات بزرگ این ملت را تشکیل می دهد.

در پایان در حالی که به روان سپه سالار شهیدان، قهرمان ملی کشور و به همهٔ شهدای عزیز کشور از آغاز جهاد تا دورهٔ مقاومت و تا پایان تاریخ و تا (أن یرث الله الأرض و من علیها) به روح همهٔ شهدا درود می فرستم و از همه دوستان عزیز در بنیاد شهید مسعود برای برگزاری این همایش و کارهایی دیگر از ته دل اظهار سپاس می کنم.

أقول قولی هذا أستغفرالله لی و لکم ولسائر المسلمین

و السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

برنامهٔ جمع آوری اسلحه و چالش ها

وحید مژده

برنامهٔ دی دی آر که منظور از آن خلع سلاح تشکیلات نظامی پیشین بود به پایان رسید و به دنبال آن برنامهٔ دایاگ آغاز شد. دراین برنامه خلع سلاح گروه هائ کوچک منظور نظر است. جامعهٔ جهانی به هردو برنامه با علاقه مندی کمک و همکاری کرد. اما سؤال این است که آیا واقعاً این برنامه ها موفق بوده اند؟

شایعاتی در جریان است که شماری از فرماندهان سابق بخشی از سلاح و مهمات خود را پنهان کرده اند و بیشتر اسلحه یی را تحویل داده اند که یا به علت حجم زیاد، امکان پنهان شدن نداشتند ویا سلاحهایی که کهنه و فرسوده بودند. اکنون که برنامهٔ دایاگ در جریان است، بعضی ها به شوخی می گویند که این برنامه در اصل (ده یک) است یعنی از ده میل اسلحه باید یکی را تحویل داد.

راستی چرا مردم تمایل به از دست دادن سلاح ندارند؟ مگر بدبختی های ناشی از جنگ های گذشته به قدر کافی عبرت آموز نبوده است؟

اگر حرفهای رسانه های دولتی را تکرار نماییم باید بگوییم که جمعی تفنگ سالار بقای خود را در داشتن اسلحه می بینند و به همین دلیل از سپردن سلاح خودداری می ورزند... دولت همیشه تعبیر های ساده از وقایع پیچیده به خورد مردم می دهد اما کاش مساله به همین سادگی می بود!

مجاهدین حتی در دوران جهاد از عواقب نامطلوب موجودیت سلاح در دست اشخاص غیر مسؤول غافل نبودند و این نگرانی در مناسبت های مختلف مجال ظهور می یافت. به یاد دارم که زمانی یکی از برادران نویسنده در یک گردهمائی از حکمتیار نظر وی را در این رابطه پرسید. او گفت که اگر حزب اسلامی به قدرت برسد، ترجیح ما مسلح باقی ماندن ملت است. در این مورد بر وی اعتراض صورت گرفت و او در دفاع از نظر خود گفت: افغانستان همیشه با خطر مداخلات خارجی مواجه است در حالی که در گذشته اردوی این کشور نه تنها از کشور در برابر تجاوز دفاع نکرده، بلکه غالباً درسرکوب ملت با تجاوز گران خارجی همراه شده است. تجربهٔ ملت ما در جهاد علیه انگلیس و شوروی نشان می دهد که مجاهدین و نه اردو بار دفاع از کشور را به دوش کشیده اند.

اکثر رهبران جهاد به این باور بودند که در آینده برای دفاع از کشور نیاز به اردوی مجاهد و با ایمان است تا با انگیزهٔ شهادت طلبی از حریم کشور اسلامی دفاع نماید. به جای این که همهٔ ملت مسلح باشند، باید در ساختن چنین اردو یی تلاش صورت گیرد. شهید احمد شاه مسعود در دوران جهاد در جهت ساختن چنین اردو طرح هایی را روی دست گرفت.

جنگ های پس از خروج ارتش سرخ از افغانستان، نابسامانی های فراوان را موجب شد و فرصت جمع آوری سلاح و ساختن اردو ممکن نگردید. البته در هرات اسماعیل خان با استفاده از امنیت در آن ولایت، اردوی کوچک محلی را به وجود آورد اما ظهور طالبان صحنه را کاملا تغییر داد.

طالبان بیش از هرچیز به جمع آوری سلاح توجه داشتند. همین که یک منطقه به دست آنان فتح می شد، بدون درنگ از مردم می خواستند تا اسلحهٔ خود را تحویل دهند و در صورتی که می دانستند کسی سلاح در اختیار دارد که از تحویل آن ابا می ورزد، با شدت عمل برخورد نموده و چنین شخصی را در محضر عام لت و کوب می نمودند. از طرف دیگر مردم نیز که از جنگ به ستوه آمده بودند، با طالبان در جمع آوری سلاح همکاری کردند. ترس از شدت عمل طالبان و امید به پایان جنگ از عواملی بود که طالبان را در این امر یاری رسانید.

تحولات پس از سقوط طالبان این امیدواری را به وجود آورد که مردم به این باور برسند که دیگر دوران جنگ به سر آمده و از این به بعد نیازی به ص۷

جاودانه

عزیز الله آریافر

خوب یادم هست
یادم هست
وقتی می رفتی
شهر سرما بردهء مجروح
انجماد لحظهء پدرود را
در ضمیر خویش می زد نقش
لیک، آندم
در جهان چشم هایت
شعله یی از مهر می رخشید
در نگاه ات
دختر خورشید می رقصید،
زندگی اما
با تو پیوندی حقیری داشت
کاین سان زود
رو به سوی خاک برگشتی.
در سپاس مادر مهر آفرین خاک
از سپیدار سپید دست هایت
چشمه های زخم روییدند
بر زمین عطر بهاران ریخت
سینه ات شهر شقایق شد
تا درخت زندگی جاوید
در هوای آغش مادر، بماند شاد
تا زمین در عقد نا محرم تباری پست
بار ننشیند.
یاد باد آن روزهای خشم
روزهای هیبت و فریاد
وقتی می رفتی
تا بدرانی گلوی بادهای وحشی یی
بی رحم
آسمان نجوای دیگر داشت
کوه می غرید
رود باران، شعر، از حماسه می خواندند
خانه ها در انتظار فتح می ماندند
یاد باد آن روزهای خشم
روزهای آتش و آهن
روز عشق و روز شیدایی
مرگ خصم و روز رسوایی.
خوب یادم هست
وقتی می رفتی
کوه همپای تو بر می خاست
دره با نام تو می شورید
دیهه های رزم
دامن و دشت و ستیغستان
سر به فرمان تو می آراست.
هان! ای سرچشمهء آزادگی
ای پاک
ای خراسان زادهء بی باک
ای حریف مرگ!!
راستی می گویم ات تو می گردی؛
بازگشتی جاودان در پیشگاه دادگر دادار
آه، ما
کینه ات در سینهء توفندهء این خاک خواهد ماند
کرگسان را تاب ماندن در حریم خانهء خورشید
هرگز، نیست
گند خواران وربه سوی گند زاران بازمی کردند
و تو
یکبار دیگر
تاج سر خورشید
خواهی شد

مسعود دوران

شمس الحق آریانفر

خطهٔ ما شهر اعدام دل است
جبرئیل محکوم فسل باطل است

ناودان نور، نار آور شده
باغ ما فریاد، بار آور شده

بر گلوگاه فناری تیر هاست
رویش سبزینهٔ ما در هواست

آیهٔ ناگفته صد قرن دل
اینک اینک بر تومی دارم گسل

بار دیگر قصه از فصل شب است
رویش اندوه گیتی بر لب است

عشق را در شهر اعدام کرده اند
تاریخ ما را سر انجام کرده اند

دست بر مرگ عواطف اختند
بر حریم مهر و باره تاختند

لحظه تار سکوت آغاز شد
با توحش بادیه انبار شد

اهریمن از کوچهٔ تزویر شد
واژگونه نعرهٔ تکبیر شد

قامت آزادی ودین واشکست
واژه های مهر از هستی گسست

ماتمستانی شده پهنای ما
وای ما، ای وای ما، ای وای ما

قصهٔ ما فصل پدرود گل است
آتشی در بیشه گاه سنبل است

بغض را از گریه خالی می کنم
حشر را در خاک حالی می کنم

قامت خورشید شد در انفجار
از تلابیس خانهٔ ابن فجار

خنده و خمیازهٔ نازم برفت
آیه و تصویر آوازم برفت

بخیهٔ اندوه بر تن می زنم
ناله از مرگ تهمتن می زنم

همرهٔ آهم سر شکم دم شده
آسمان از باراندوه خم شده

از گلوی عشق ما خون می رود
شاهد ایمان وارون می رود

نیزه زارانی شده پنهای باغ
دیوها دزدیده از روزن چراغ

زیستن برمن گرانی می کند
بی تو هر گرگی شبانی می کند

رفتن تو رفتن عزو وقار
کاروان افتخار و افتخار و افتخار

نه غرور آریانا زنده است
آدمیت را تمنا زنده است

شاه جاوید خراسان احمد است
فاتح و مسعود دوران احمد است

تو نمودی خشم آبای منی
شهمرد آریانای منی

قامتت انداز تو بشکند
رونق و بزم ثریا بکشند

خاک مشرق پهنه از ناز تو
خاوران شد عرصهء، پرواز تو

جاودان در خطهء، جان منی
تا ابد شاه خراسان منی

شهریار تاریخ

احمدضیاء رفعت

غرور صخره ای واعتبار تاریخی
شکوه دره یی وافتخار تاریخی
محیط رعدی وجغرافیای توفانی
محل یورش و حماسه زار تاریخی
دگر یلان همه بر ایستگاه می مانند
از آن میانه فقط تو قطار تاریخی
قدت زعزم و تنت از ثبات لبریز است
به این سر شتگیت ابتکار تاریخی
به وزن کوچه و بازار ما نسنجیدت
که خود حساب دگر در شمار تاریخی
نماند هیچ فروغی به قصه های قدیم
تو آفتاب نوی در مدار تاریخی
دوباره بیهقی و قصه های مسعودی
تو شاهنامه یی و شهریار تاریخی
کسی نکرد بزرگت، تو خود بزرگ شدی
بدون تکیه به غیر، اقتدار تاریخی
نه زر خریده غلامی! نه زرد دورانی
نه خود فروخته، نی شرمسار تاریخی
همیشه در تو توان راه زد، اقامت کرد
تو سرزمین زمانی، دیار تاریخی
به فصل داغ تو یخها همه سیاسی شد
شعور دوره سرد و شعار تاریخی
نسیم نور، صفای نگاه، رشته یی ذهن
نمونه یی! هنری! شاهکار تاریخی
نه چون تو آمدی ونی چون تو دیگری آید
شروع غیرت و پایان کار تاریخی
پیام از تو، سخن از تو، قصه ها از تو
ازین به بعد خداوند گار تاریخی
میان مرگ و تو چندین هزار فاصله است
تو زندگی نوی در مزار تاریخی

جامعه اسلامی و رویارویی با ارتداد

فرازهایی از نظریات علامه دکتر یوسف قرضاوی

بخش دوم

برگرداننده : متوکل اکرامی - بن آلمان فدرال

درآنچه بیان شد رد قاطعی است بر کسانی که می گویند: پیامبر کسی را به جرم ارتداد نه کشته است.

واگر ثابت شود که پیامبر حکم قتل را برهیچ مرتدی جاری ننموده است، بدین معنی است که در زمان پیامبرصلی الله علیه وسلم ارتداد صورت نگرفته است مثل آن که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم کسی به جرم عمل قوم لوط مجازات نشده است، تطبیق نشدن این حکم برای این بوده که ارتکاب این جرم درآن زمان ثابت نشده بود، ومطلبش هرگز آن نیست که در این رابطه حکمی وجود نداشته باشد.

البته در این جا بهتر است قول دیگری را که ازعمررضی الله عنه در مورد مرتد حکایت شده است، نقل کنیم که ازان عدم قتل مرتد دانسته می شود:

عبدالرزاق، بیهقی ، و ابن حزم روایت می کنند که زمانی که أنس رضی الله عنه از شهر "تستر" به مدینه برگشت نزد عمر آمد، عمررضی الله عنه از وی در بارهٔ شش نفری که از قوم بکر بن وایل مرتد شده بودند وبه مشرکان پیوستند پرسید؟ انس رضی الله عنه درجواب فرمود: یا أمیر المومنین ایشان مرتد شدند وبه مشرکان پیوستند ودر جنگ کشته شدند. عمر "انالله وانا الیه راجعون" گفت. أنس رضی الله عنه پرسید: آیا جز کشته شدن راه دیگری داشتند؟ عمر در جواب گفت: بلی،اسلام را بر ایشان عرضه می کردم، اگر نمی پذیرفتند حبس شان می نمودم. (۱)

ابراهیم نخعی - رحمه الله - این رأی را راجح می داند، وامام ثوری می گوید: درصورتی که امیدواری برای توبه وجود داشته باشد قتل به تعویق انداخته می شود، وبه همین قول عمل می نمایم.

ولی به نظر من علماء اسلامی بدعت در دین را به دوقسم: بدعت شدید وبدعت خفیف تقسیم نموده اند، چنانچه که مبتدع را نیز به دو دسته تقسیم کرده اند:مبتدع که دعوت به بدعت می کند ومبتدعی که به سوی بدعتش دعوت نمی کند. ارتداد نیز به دو دسته تقسیم می شود، مرتدی که دیگران را به سوی ارتداد فرا می خواند، ارتداد وی از نوع ارتداد غلیظ شمرده می شود، و جزایش نیز باید سخت باشد مانند ارتداد سلمان رشدی که در پهلوی ارتدادش، توسط زبان وقلمش دیگران را نیز به ارتداد دعوت می نمود، در این صورت به هدف ریشه کن کردن شر و به خاطرجلوگیری ازگسترش فتنه میان مسلمانان، رأی جمهور علما و ظاهر حدیث به اجراء گذاشته شود. اما مرتدی که کسی را به سوی ارتداد دعوت نمی دهد می توان در باره او به رأی نخعی وثوری که از عمر فاروق روایت شده است عمل کرد.

اما مرتدی که نه تنها در دائرهٔ ارتداد منحصر نمی ماند بلکه در پهلوی آن دربرابر خدا وپیامبر خدا می جنگد وبرای نشر واشاعهٔ فساد سعی و تلاش می ورزد، وی باید کشته شود. ابن تیمیه جنگ در برابر خدا را دو نوع می داند، جنگ با دست، وجنگ با زبان، ولی جنگ با زبان دربرابر معتقدات شدیدتر وزننده تر از جنگ با دست می باشد، همین جاست که پیامبر صلی الله علیه وسلم کسانی راکه در برابرش با زبان می جنگیدند به قتل رساند ولی کمتر کسانی را که در برابر وی با شمشیر می جنگیدند به قتل رسانده است.وهمچنان فساد در زمین می تواند بادست ویا با زبان باشد، اما زخمی راکه زبان می آورد بسی سنگین تر از زخم شمشیرمی باشد. پس مسلم است که جنگ در برابر خدا وپیامبرخدا توسط زبان، وفساد در زمین توسط زبان، شدید تروبزرگتر از جنگ با دست بوده است.(۲)

جنگ قلمی هم از گونهٔ جنگ توسط زبان به حساب می رود،بعضا زخم قلم درد ناکتر از زخم زبان بوده است خصوصا در این زمان که وسایل پخش و نشردر سطح دنیا بسیار آسان وساده شده است.

این جاست که شخص مرتد که در ارتداد خویش محکم می باشد، وی از جانب جامعه مسلمان محکوم به اعدام ادبی می باشدکه ازبرقراری هر نوع دوستی وهمکاری باوی خود داری می شود، زیراخداوند می فرماید: **(وَمَن يتَوَلَهُم مِنكُم فَهُوَ مِنهُم)** (۳) یعنی "کسی که از شما با ایشان دوستی می کند او هم از جمله ایشان می باشد" درمواردی که امکان تطبیق حکم شرع بر چنین افراد نباشد، کوشش شود تا همچو افراد در انزوا قرار داده شوند، چو این کار نزد کسانی که شعور داشته باشند دربرخی موارد سنگین تراز کشتن می باشد.

حزب کمونیستی حاکم در افغانستان برای سرکوبی هم میهنان شان به بسیار بی شرمی از روس ها کمک طلبیدند نمود،وروس ها نیز برای کمک نوکران شان شتافتند وبه خاطر خاموش ساختن صدای حق و آزادی از همه وسایل استفاده نمودند

علل مجازات مرتد

علل این مجازات در آن است که جامعهٔ اسلامی بر عقیده وایمان پایه گذاری شده است ، عقیده که اساس شناخت، و نقطهٔپرکاش زندگی وروح وجود این جامعه را تشکیل داده است، دستی اگر به نیت تخریب سوی آن دراز شود، باید آن دست قطع گردد.

دیری نگذشت که نظام استبداد کفر و کمونیزم سرنگون شد، هر چند که خود خواهی یک عده عناصر در پهلوی عوامل خارجی نگذاشت تا ملت افغانستان ثمرهٔ شیرین جهاد ومبارزه شان را بچشند، ودر نتیجه حوادثی اسفباری رخ داد که همه شاهد آن هستیم

از همین رو ارتداد از نظر اسلام از جمله جنایت های بزرگی است که شخصیت مجتمع وکیان معنوی اش را زیر سئوال می برد. ودین را که در سرخط ضروریات بنیادین پنجگانه (دین، نفس، نسل، عقل، مال) قراردارد، وهر فرد مؤمن برای نگهداری آن جان، وطن و مالش را فدا می نماید به خطر مواجه می سازد.

اسلام دینی زورگویی نیست که برای گسترش دامنهٔ خود، راه جبر و اکراه را در پیش گیرد، بلکه همواره به ایمانی اعتماد داشته است که از قناعت درونی و گزینش شخص سرچشمه می گیرد، خداوند در زمان دعوت پیامبرصلی الله علیه وسلم در مکه می فرماید: **(أفَأنتَ تُكرِهُ النَّاسَ حتَّي يكُونُوا مُومِنِين)** (۴) "آیا تومردمان را به سختی می گیری تا به دعوت تو ایمان بیاورند" و در مرحله دعوت مدنی می فرماید: **(لاَ إكراهَ فِي الدّين قَد تَبَين الرُشدُ مِنَ الغي)** (۵)یعنی "در دعوت به سوی دین اجباری وجود ندارد، چون راه درست از راه گمراهی آشکار شده است".

مگر به هیچ صورت اجازه نمی دهد که دستها با آن بازی کند، هرکسی بخواهد امروز مسلمان شود فردا ازآن باز گردد، چنانچه در همان نخستین دوره های دعوت اسلام، یهودیان برای مخدوش جلوه دادن سیمای اسلام، چنین تدبیری را سنجیده بودند، ولی قرآن این روش مکارانهٔ آنان را برملا ساخته مسلمانان را برحذر داشت: **(آمِنُوابالّذِي أنزل علي الّذِين آمَنُوا وَجهَ النَّهار واكفرُوا آخِره لعَلّهم يرجِعُون)** (۶) "ایمان بیاورید به آنچه که برمسلمانان نازل گردیده است در اول روز،برگردیدازآن درآخرروز، تا باشد که مسلمانان از دین شان بازگردند".

در اسلام برای کسی که به صورت آشکار ارتداد خویش را اعلان ننموده ونه کسی را به سوی آن دعوت داده است، عقوبت قتل نمی باشد، بلکه جزای او به آخرت گذاشته می شود، ویا هم در دنیا در برابر افکار انحرافی اش تعزیر می شود، خداوند می فرماید: **(وَمَن يرتَدَ مِنكُم عَن دِينِهِ فَيمُتَ وَهُوَ كَافِرٌ فَأولئكَ حَبطَتَ أعمَالهُم فِي الدُنيا وَالآخِرَةِ، وَأولئِك أصحَاب النَّار، هُم فِيهَا خَالِدون)**(۷) یعنی "کسی که از اسلام باز می گردد وکافر می میرد، اعمال ایشان بیهوده گشته است دردنیا وآخرت،وایشان از اهل دوزخ ودرآن جاویدانند".

اما کسی که آشکارا مرتد می شود و به سوی ارتدادش دعوت می دهد، این جاست که برای حفظ مبادی واساسات دین، و شناخت و وحدت جامعه اسلامی به مجازات او اقدام عملی صورت می گیرد، زیرا هر اقدامی که هویت یک جامعه را به مخاطره اندازد، وموجب دگرگونی اخلاقی واجتماعی گردد، به هیچ نحوی مجاز وقابل تحمل نمی باشد.

همه می دانیم خیانت به وطن، دوستی با دشمنان وجاسوسی به ایشان، ازجمله جنایت های بزرگ شناخته شده است که از همین اصل سرچشمه می گیرد.

اما ارتداد، یک شیوه تفکر محض نبوده بلکه تغییر جهت دوستی، گزینش هویت جدید وگرایش های دیگری را در بردارد، که بر اساس آن، شخص مرتد ملتی را ترگ گفته همه گرایش های اعتقادی و روابط اجتماعی پیشین خود راپشت سر گذاشته، به سوی ملت دیگری می رود. این فرد که تا دیروز جزء این امت وعضو بدن این کیان بزرگ بود، با همه هوش و خواس این سر زمین را ترک نموده راهی سرزمین باورهای دیگری می گردد، واین چنین نه تنها خود قدم در بیراهه می نهد، بلکه سؤالهایی را نیز در اذهان افراد ضعیف الایمان بر می انگیزد، وسعی می ورزد تا در بدنهٔ جامعه اسلامی رخنه یی ایجاد کند. .وحدیثی را که ابن مسعود روایت می نماید از همین گونه اشخاص خبر داده است: **(التَارک لدينه، المفارق للجماعة)** شخص مرتد را به کلمه **(مفارق للجماعة)** تعبیر نموده است، چون هر شخصی که از دین باز می گردد در حقیقت جدایی وانزجارش را ازین کیان بزرگی که امت اسلامی خوانده می شود، اعلان می کرد. با وجود آن اگر شخص مرتد با این بزرگی وشناعت جرمش، تا آن زمانی که ارتداد خویش را خود اعلان ننماید، یا مرتکب عملی نگردد که به کفر بینجامد ودرآن گنجایشی برای هیچگونه تأویل وتفسیر وجود نداشته باشد، از وی محاسبه صورت نمی گیرد، چون این یک عمل قلبی بوده و مسؤولیت تفتیش از اسرار نهانی کسی را برعهده نداریم.

امادر قسمت مرتدي که ارتداد خویش را اعلان می نماید وازآن دفاع وبه سوی آن دعوت می نماید سهل انگاری صورت گیرد، آن جاست که جامعه اسلامی به یک خطری جدی مواجه خواهد گردید، وهمه دروازه های فتنه به رویش باز خواهد شد" و این بیماری ساری همواره دامن گیر اعضای دیگر جامعه به خصوص طبقهٔ ضعیف الایمان وعوام الناس خواهد شد ومنجر به تشکل گروه جدیدی خواهدشد که به خود اجازه می دهد تا از دشمنان اسلام برای سرکوبی امت اسلامی استعانت طلب نماید، همین است که امت اسلامی در یک کشمکش وچند پارچگی فکری،اجتماعی، وسیاسی که شایدبه یک جنگ خونین داخلی که تروخشک را می سوزاند، منجر گردد.

عملا آنچه که در افغانستان صورت گرفته است خود نمونهٔ زنده آن است که گروهی از مردم از دین شان بیرون شدند، وپس از آن که ایدئولوژی کمونیستی را در روسیه فرا ودر پهلوی حزب کمونیستی قرار گرفتند، وقت نیز ایشان را یاری نمود و زمام حکم را در افغانستان تصاحب نمودند، همان بود که از همه امکانات وقدرت دست داشته‌شان برای از بین بردن هویت ملت افغانستان که اسلام است، استفاده کردند. اما فرزندان ارتداد ستیز این مرزبوم در برابر آنان سر تسلیم فرود نیاوردند، و دست به جهاد زدند، جهاد روز به روز توسعه پیدا می کرد تا آنکه همه کشور را در بر گرفت، همان بود که حزب کمونیستی حاکم در افغانستان برای سرکوبی هم میهنان شان به بسیار بی شرمی از روس ها کمک طلبیدند نمود،وروس ها نیز برای کمک نوکران شان شتافتند وبه خاطر خاموش ساختن صدای حق و آزادی از همه وسایل استفاده نمودند، توسط تانکها، توپ ها، طیاره های بم افگن، این ملت مستمند ولی مجهز به سلاح ایمان را تحت یورش قرار دادند، ولی دیری نگذشت که نظام استبداد کفر و کمونیزم سرنگون شد، هر چند که خود خواهی یک عده عناصر در پهلوی عوامل خارجی نگذاشت تا ملت افغانستان ثمرهٔ شیرین جهاد ومبارزه شان را بچشند، ودر نتیجه حوادثی اسفباری رخ داد که همه شاهد آن هستیم.

همهٔ این بد بختی ها را غفلت، خاموشی، وسهل انگاری در برابر آن گروه مرتد به بار آورد، اگر آن گروه خیانت کار در آغاز امر قبل از این که وضع دشوار شودمجازات می شدند، سر زمین افغانستان ومردم‌آن، از شر آن همه جنگ های خان مان سوز نجات می یافتند.

پی نوشت ها

۱- مصنف عبدالرزاق ۱۶۵،۱۶۶/۱ شمارهٔ(۱۸۶۹۶) سنن بیهقی ۲۰۷/۸ سنن سعید بن منصور ص۳ شمار(۲۵۷۳)، ابن حزم در محلی ۲۲۱/۱۱

۲- این بدان معناست که عمر رضی الله عنه قتل مرتد رادر همه حالات لازمی نمی دانست، به نظر ایشان در صورت ضرورت امکان به تعویق انداختن این حکم ویا ترک آن وجود داشت، وضرورت دراین جا حالت جنگ در برابر دشمن ، واحتمال نزدیک شدن ایشان با مشرکان می باشد. شاید عمر رضي الله عنه این موضوع را به حدیث پیامبر که گفته است:« لاتقطع الایدی فی الغزو» دست ها در حالت جنگ بریده نمیشود، قیاس نموده است، وهدف ازترک قطع در این حالت آنست که مبادا دزد برای گریز ازین جزا به دشمن نه پیوندد. احتمال دیگر این است که رأی عمر رضی الله عنه در رابطه با حدیث پیامبر که می فرماید« من بدل دینه فاقتلوه» از مقام امامت وریاست مسلمانان باشد،چون مسئولیت کشتن وجاری نمودن حد در اسلام را امام، امیر، یا حاکم به عهده دارد، "همچنان که صلاحیت تنفیذی وديگرامور سیاست شرعی مربوط به وی می باشد . پس اگر امام برای جاری نمودن یک حکم فرمان داد، آن حکم عملی می شود.

۲- الصارم المسلول از ابن تیمیه ص ۳۸۵
۳- سوره مایده۵۱
۴- سوره یونس ۹۹
۵- سوره بقره ۲۵۶
۶- سوره آل عمران ۷۲
۷- سوره بقره ۲۱۷

در آستانهء تجلیل از روز مادر

مادر آیندهء نسل های ماست

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

در افغانستان بعد از نیمهٔ قرن بیستم، تجلیل از روزهایی چون روز مادر، روز معلم، روز کودک وروزهای دیگر نظیر این روزها؛ چون: قابله ها، ژورنالیستان، طبیبان، دانشجویان و معلمان و ده ها چیز دیگر معمول گردید. به گونه یی که بعد از ادارهء موقت، دولت انتقالی، واژه های دموکراسی، جامعهء مدنی، حقوق بشر، تروریست، تفنگ سالار، حکومت قانون، عدالت انتقالی وچیزهای دیگر، در جغرافیای فرهنگ سیاسی این سرزمین، کاربرد پیدا کرد و وارد بازار گردید، اما هیچ گاه این ترمینولوژی ها در عمل تحقق نیافت واین واژه ها تا هنوز که هنوز است به شکل مجرد خویش باقی مانده است ومحل اعراب برای آنها دز جامعه پیدا نشده است.

همینگونه واژه های مشارکت سیاسی، عدالت اجتماعی وتوازن قومی برای خود، جایی برای تطبیق نیافته است. در این روزها از روز مادر از سوی دولت تجلیل می گردد و از مقام مادر تذکار به عمل می آید همه می دانیم که بیشترین مصائب و لطمات جنگ را مادران و زنان کشور ما وکشورهای دیگر مانند فلسطین، صومالی، عراق، سودان و کشورهای دور ونزدیک دیگر متحمل گردیده اند و همین اکنون در برخی از کشورهای یاد شده و در کشورما مادران و زنان در آتش جنگ می سوزند وبرای نجات خویش وا اسفا می گویند واغثنی، اغثنی گویان فریاد می نمایند. اما هیچ گوش شنوایی در جهان وجود ندارد، تا این صداها را بشنود، حقوق بشر جهانی حتا از گزارش زنان در بند کشیدهء فلسطین وعراق عاجزند. تا مبادا مورد سرزنش دنیای زور وسرمایه قرار نگیرند، طوری که اردوگاه های صبرا وشتیلا از مهاجران فلسطین که اکثریت آنها را زنان و کودکان تشکیل می داد، روزی وجدان بشریت را به چالش گرفت وتراژدی آن همهء دنیا را تکان داد. سازمان ملل متحد در قبال این تراژدی قرن فقط با صدور چند قطع نامه بسنده کرد.

امروز وقتی این خانه به دوشان وقربانیان مصیبت جنگ های امپریالیستی وصهیونیستی به خاطر استرداد وسرزمین خویش در برابر اشغالگران اسرائیل می رزمند آنها را تروریست می خوانند، این واژه یی را که دنیای زور وزر برای حفظ منافع خویش به کار می برد. باید در نزد این ستم پیشگان وستمگران، سیاه دید وسفید نوشت، اما دشواری ها وکمبودی های زنان افغانستان کم تر از زنان کشورهای عرب واسلامی نیست. با وجودی که مادهء ۵۴ قانون اساسی افغانستان، دولت را به حمایت از طفل و مادر مکلف می سازد. دولت، هیچ برنامه یی کلان را در سراسر کشور در راستای خدمت وکمک به مادران ارائه نکرده است، در حالی که مادران و زنان کشور، بیشترینه مورد خشونت خانواده ها قرار می گیرند میزان مرگ ومیر مادران نسبت به سایر مادران جهان ریکارد جهانی قایم کرده است.

تفاوت هایی میان زن ومرد، درنظام خانواده ها، ازدواج اجباری وقبل از وقت، عدم دسترسی مادران به مراکز صحی ومراکز درمانی میزان مرگ ومیر زنان ومادران را در ولسوالی ها و ولایات دشوار گذار کشور بلند برده است، به رنگ نمونه در ولایت سمنگان همین اکنون شفاخانهء زاد و ولد وجود ندارد، پس چگونه روز مادر را به تجلیل می گیریم این فقط یک ترفند تبلیغاتی است وبس. توخود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

در حالی که در تاریخ اسلام می خوانیم، اولین شهید راه اسلام سمیه یک زن است، تیمارگر سفر پیامبر اسلام(ص) و ابوبکر صدیق در غار ثور اسماء (رض) بود. همین گونه فاطمه الزهراء در کنار حضرت علی بن ابیطالب وشهامت زینب در سوگ شهدای خانوادهء امام حسین حماسه هایی است جاویدانی. مقام مادر در اسلام به درجه یی رفیع وبلند است که آن حضرت فرموده است: بهشت زیر پای مادران است.

تفاوت هایی میان زن ومرد، درنظام خانواده ها، ازدواج اجباری وقبل از وقت، عدم دسترسی مادران به مراکز صحی ومراکز درمانی میزان مرگ ومیر زنان ومادران را در ولسوالی ها و ولایات دشوار گذار کشور بلند برده است، به رنگ نمونه در ولایت سمنگان همین اکنون شفاخانهء زاد و ولد وجود ندارد، پس چگونه روز مادر را به تجلیل می گیریم این فقط یک ترفند تبلیغاتی است وبس. توخود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

دین اسلام از دختر قاطعانه حمایت می کند، روزی پیامبر اسلام با اعرابی یی صحبت می کرد، حضرت فاطمه، کودک خردسالی بود، سر زانوی ایشان نشست و در جریان صحبت او را با بوسه های پدرانه نوازش می کردند. اعرابی با تعجب پرسید: شما دخترتان را می بوسید؟ پاسخ فرمودند: حکم خدا این است که فرزندان تان را نوازش کنید ومیان دختر وپسر فرقی قایل نشوید و اگر برای من در مورد ترجیح میان دختر و پسر اختیار داده می شد، من دختر را بر پسر ترجیح می دادم.

در نکاح که پیوند با برکتی برای تاسیس خانواده، یعنی جامعهء کوچک است صلاحیت انتخاب همسر برای پسر ودختر یکسان است. ودر کفو جانب زن مراعات می شود. آموزش سواد، تعلیم وتربیت، صحت به کار، شرکت در حیات سیاسی واجتماعی وهر عرصه یی که به انسان تعلق می گیرد، دین اسلام برای مرد و زن آن را تجویز کرده است. حق میراث، حق حضانت و شیر دهی، حق زن باردار در دوران بارداری، حق زن بر شوهر، حق دختر بر پدر، حق مادر بر فرزند وسایر حقوق معین شده در شرع، خطوط زرینی اند که دین حنیف اسلام برای ما ترسیم کرده است.

پیامبر اسلام فرموده است: من از دنیای شما سه چیز را می پسندم: عطر را، نماز را که روشنی چشمم است و زن را. پیامبر خدا، زن را در پهلوی حضور وصفای برترین عبادت اسلامی یعنی نماز قرار داده است.

امروز مواظبت از مادران، از اولویت های کار دولت محسوب می شود، از جمله: ازدواج های قبل از وقت واجباری، خشونت علیه زنان، رسم ناپسند بد دادن، بد گرفتن، تویانه های کمر شکن وسنگین، بیسوادی عام زنان، فقر کشندهء مریضی، مرگ ومیر مادران در هنگام ولادت، نبود مواظبت سالم از مادران بارور، غصب حق میراث زنان، محروم ساختن زنان، حق تملک وصدها دشواری دیگر، برحمایت زنان تأثیر مستقیم وارد کرده است که در رفع این کمبودی ها، به کار وتلاش مستمر نیاز محسوب می گردد.

امروز همه فرزندان در هر سن وسالی، میثاق احترام به پیشگاه مادر را یک بار دیگر تجدید می نمایند سزاوار یاد آوری از مادر این است که بافداکاری و از خود گذری، فرزندانی شایسته و مفید پرورده اند و به جامعه تقدیم داشته اند.

امروز در هیأت کابینهء دولت، وزارت امور زنان در راستای خدمت وکمک به زنان و در جهت رعایت این حقوق زنان که نیمی از پیکر جامعه اند، بتواند کارهایی انجام بدهد و بتواند در اینده در جهت رشد سواد، اموزش و پرورش، تحصیلات عالی و زمینه های کار ابرومند را برای زنان در کشور مساعد سازد. این کار بدون کمک و مشارکت سایر وزارت خانه ها و ارگان های دولتی وغیر دولتی به یقین امکان پذیرنیست. باید همه موسسات و نهاد های دولتی وغیر دولتی که در راستای خدمت به زنان کشور کار وفعالیت می نمایند در یک هماهنگی قرار گیرند و از یک مرکز در صورت امکان، کارها را در این زمینه سازمان دهند، در غیر آن کارهای پراگنده مؤثریت چندانی نخواهد داشت. باید صادقانه اعتراف شود زنان کشور ما، آسیب پذیر ترین قشر جامعهء افغانستان اند. نبود شوهر، برادر، پدر و نان آور خانواده، تأثیر مستقیم بر حیات زنان دارد. هر نوع بی توازنی در جامعه، قانون شکنی، بی مبالاتی سیاسی واجتماعی بر حیات خانواده به ویژه مادران نتائج نا مطلوب به بار می اورد. توجه واهتمام به زنان ومادران در حقیقت اهتمام وتوجه به نسل آیندهٔ کشور است که ما انتظار آن را در آینده داریم. کشوری که دارای یک فردای خوشبخت، آبرومند ودور از دغدغه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که امروز بدان دست وگریبان می باشیم، بوده باشد.

تحقق این امر بدون خانوادهء سالم وبدون مادران آگاه در کشور نمی تواند میسر شود، به امید چنین روزی که همهء انتظارات ما به فرجام نیک آید.

توصیهء من به شما این است که متوجه مسؤولیت ...

بلکه مجاهدین در ساختار نظام سهیم شدند و بیشترینه قدرت را کسانی غیر از مجاهدین به دست گرفتند البته در این شکی نیست که مجاهدین نیز در این مورد متوجه نشدند و به پست های فیشنی اکتفا کردند و به مسؤولیت و دست آوردهای شان متوجه نشدند. برای مجاهدین لازم بود که تا قبل از این که متوجه ظاهر آرایی و تجمل پرستی می شدند باید رسالت خویش را در قبال مسؤولیت ها و دست آوردهای شان ادا می کردند و بعد به مسائل دیگر روی می آوردند چنانچه دیگران از مجاهدان در این راستا پیشی گرفتند و تلاش نمودند تا مردم را متوجه خود بسازند اما زمانی که مجاهدین از صحنه کنار زده شدند آهسته آهسته به خود آمدند که الحمدلله اکنون بسیاری از مشکلات در برابر آنان فروکش کرده است. برخی ها بدین باور بودند که با اندکی فشار می توانند مجاهدین را از صحنه کنار بزنند ولی بی خبر از این که مجاهدین در ساختار این جامعه ریشه دوانیده اند. اکنون مردم به حقانیت مجاهدین پی برده اند و معتقد به این شدند که بدون در نظر داشت ارزش های اسلامی نمی توان در این کشور ثبات سیاسی و امنیت سرتاسری را آورد بناءً شما از این شرایط استفادهء اعظمی نمایید و این پیام را به دوستان تان برسانید و یکجا با هم دیگر در این راستا تلاش جدی به خرچ دهید.

شما دو گونه مسؤولیت دارید، مسؤولیت شخصی و فردی و دیگر مسؤولیت اعتقادی، اسلامی و ملی و میهنی تان هست که تلاش نمایید بیشتر متوجه مسوؤلیت های ملی و اعتقادی تان باشید و به خاطر فراهم آوری معلومات در این زمینه بیشتر مطالعه کنید البته هر کتابی که در دست تان می آید مطالعه کنید به ویژه کتاب هایی که بیشتر حاوی موضوعات مسلکی و تخصصی تان هست. شما دعوتگران آینده هستید و برای شما لازم است که تلاش نمایید درمیان مردم از محبوبیت خاصی برخوردار باشید و تا زمانی که شما در دل های مردم جای نداشته باشید هرگز در دعوت تان موفق نخواهید بود از همین رو می گویند امامی که مردم از آن نفرت می کنند نماز جماعت دادن وی به مردم مکروه است.

و در اخیر از پروردگار متعال موفقیت تان را می خواهم و در حفظ و امان خداوند بوده باشید.

هیوادوالوته د کار زمینه ولټول شي

زکوخیل

څرګنده خبره ده، چې د دري لسيزو تپل شويو جګړو په اوږدو کښي افغان مجاهد ولس مادي او معنوي شتمنۍ او ارزښتونه له لاسه ورکړل. جګړو ډيرى هيوادوال دې ته اړ کړل، چې بهرني هېوادونو ته په ځانګړې ډول ګاونډيو هيوادونه ايران او پاکستان ته کډه وکړي.

د پام وړ ده چې د کالونو په تيريدو دوی په دې ژوند هم خوښ وو، ځکه په نسبي ډول يي د امن او امان احساس کاوه خو د بن د تاريخي غونډې له پريکړو سره سم د نړيوالې ټولنې په مرسته او هڅونه د افغانانو بې شميره ليکې بيرته خپل وران ويجاړ هيواد پر لور راستون شو.

دوی هيله درلوده، چې د نړيوالو په مرسته به يې وران شوی کور بيا جوړ او له خپلو بچو سره به پکې هوسا ژوند پيل کړي. خو دا سې ونه شول، د بن، توکيو، برلين او لندن په غونډو کې د ژمنه شويو پيسو اغيزې د پراخو پرګنو د ژوند د نسبي ښه کيدو په باب څرګندې او محسوسې نه شوې او د دې ځوريدلي اولس هيلې په تا هيليو واوښتې.

اوس بيا هم ډيرى هيواد وال په دې هڅه کې دي، چې له هرې شوني او ممکنې لارې څخه په ګټې اخيستنې سره بهرني او ګاونډي هيوادونوته د هجرت لاره خپله کړي. له دې امله ليکې ليکې افغانان د بهرنيو هيوادو سفارتونو او نمايندګيو په دروازو کښې له سهار تر ماښامه ولاړ دي، چې بهرته د تلو ويزه پيدا کړي.

د يادونې وړ ده چې د کډه کيدو او هجرت دا نوی پيل شوی لړی پې اوږده شي، له امکان څخه ليرې نه ده چې د افغان کډوالو ستونزه بيا هم په يوه نړيوال ستر کړکيچ واوړي.

دا له يوی خوا. له بله پلوه کله، چې يادونه وشوه، د بې کارۍ کچه ورځ په ورځ لوړيږي. خو له هغې څخه را زيږيدلي ستونزې لکه غلا، قتل، چور او چپاول نور ټولنيز فسادونه د هرې ورځې په تيريدو هم زياتيږي، چې د هيوادوالو د انديښنې سبب ګرځيدلي او په روښانه راتلونکې يې بې باوره کوي او دا بې باوري د اولس او دولت ترمنځ فاصله رامنځ ته کوي، چې په پايله کې د لا نورو بهرنيو او کورنيو ناخوالو او ستونزو د را پيدا کيدو سبب ګرځي.

په وروسته کې زموږ وړانديز دا دي، چې دولتي واکمن او چارواکي

په ځانګړې پاملرنې سره د بې کاره هيوادوالو له پاره د کار د پيدا کولو په موخه له ټولو کورنيو او بهرنيو امکاناتو څخه په ګټې اخيستنې سره په هيواد او له هيواد څخه بهر د کار کولو قانوني لار پيدا کړي، تر څو افغانان د خپل افغاني هويت په ساتلو سره بې له ستونزو له هيواد څخه بهر د کار کولو امکان تر لاسه کړي او که داړمنه توګه خپلو بچوته يوه مړي ډوډۍ پيدا کړي.

برنامهٔ جمع آوری اسلحه و ...

داشتن سلاح نیست. اما دولت با عنوان نمودن مساله، تفنگ سالار و این که این اشخاص جنایتکارند و باید به محاکمه کشانده شوند، موجب بروز نگرانی در میان آنان گردید واین خود با هدف جمع آوری سلاح در تضاد قرار داشت.

همین اکنون با تقرر امان الله گذر به سمت فرمانده امنیهٔ ولایت کابل، بعضی از سازمان های فعال در حقوق بشر به این تقرر اعتراض نموده و حامد کرزی را به قول خود شان به جانبداری از ناقضان حقوق بشر متهم کرده اند.

در حالی که با برنامهٔ دی دی آر بخشی از نیروی مجاهدین سابق خلع سلاح شدند. طالبان که در دوران حاکمیت شان بخش بزرگی از سلاح را در کشور جمع آوری کرده بودند، در مخاصمت با دولت ونیروهای خارجی مستقر در افغانستان، به جنگ های پراکنده مشغول بودند. ادامهٔ این جنگ ها به جای این که به ضعف طالبان بیانجامد، موجب تقویت آنان و خشونت های بیشتر شد. ترس از سلطهٔ مجدد طالبان و این که اگر آنان موفق به گسترش بیشتر ساحهٔ نفوذ خود در کشور گردند، در برابر دیگران چه روشی در پیش خواهند گرفت، به برنامهٔ جمع آوری سلاح صدمه وارد آورد.

این حقیقت که تلاش برای ساختن یک اردوی ملی به نتایج مطلوب نینجامیده است، می تواند به عنوان چالش دیگری در برابر برنامهٔ گردآوری سلاح مورد توجه قرار گیرد. اگر چهارونیم سال قبل مردم به این باور بودند که در آیندهٔ نزدیک با به میان آمدن اردو و پلیس ملی، امنیت در کشور مستقر خواهد شد و بنابراین نیازی به حفظ اسلحه برای دفاع از خود وجود نخواهد داشت، امروز چنین باوری وجود ندارد. ماجرای خونین هشت جوزا به تشدید این ناباوری منجر شد. اکنون باتوجه به شرایط موجود، برای مردم دشوار است تاپیشبینی کنند که آینده آبستن چه تحولاتی خواهد بود. این ابهام خود نگران کننده است.

هرچند حضور نیروهای خارجی در کشور می توانند تا حدی تضمینی برای امنیت باشد اما کافی نیست. در عین حال اردویی که سربازانش را فقط پول گردهم آورده باشد، انگیزهٔ کافی برای دفاع از کشور نخواهد داشت هرچند آن را اردوی ملی بخوانیم.

پس کشورهای کمک دهنده به افغانستان باید واقعیت های موجود در افغانستان را در نظر بگیرند. آنها می توانند مثلا با تطبیق یک دوره واکسین، مردم ما را برای یک سال در برابر بیماری های واگیر وقایه کنند اما اگر به ما بیاموزند که واکسین را چگونه باید ساخت، در آن صورت برای سالهای طولانی مردم این کشور در برابر بیماری وقایه خواهند شد.

از ملوک الطوایفی تا حکومت ...

هر دستگاهی که هویت تاریخی و ملی یک قوم را به خواری بنگرد و در برابر اجتماع و خواست عامهٔ مردم بی میلی نشان دهد، همای سعادت و امنیت در آن جا بال و پر نخواهد گشود. اصولاً هر معلولی را علتی هست، وهرگاه کشور داری بر توطئه و «تقلید» اتکاء یابد، به جهد فوق العاده مضر وبی ثمر خواهد بود. تقلید مادامی که بر اساس معیارهای علمی،و جامعه شناسی مبتنی نباشد، نتایجش به انحراف خواهد انجامید وجز تباهی چیزی در پی نخواهد داشت. اگر راست بگوییم و درست بیندیشیم تقلید ما در پنج سال اخیر غیر از بدعت وبد راهه، ره آوردی با خود نداشته است اکثر جوانان کشور معتاد شدند، راه و روش افغانی و انسانی شکل دیگری به خود گرفته است، بیکاری، بیماری و فساد اداری بیداد می کند. لذا با این وضع ونظایر آن نمی توان انتظار امنیت را داشت واز این فرمودهٔ حافظ بی پروا گذشت که می گوید:

ساقی به جام عدل بده باده تا گدا

غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند

من با صراحت وقاطعیت عرض می کنم که دوری گزیدن از فضایل اخلاقی وانسانی ترویج وتوسعهٔ بی بند وباری، تشویق باده گساری، پول پرستی وماده گرایی، اراجیف و اکاذیب، و پیروی از این وآن (آن هم در یک مملکت اسلامی وسنتی) نه تنها استمرار واستقرار دولت را تضمین نخواهد کرد، بلکه عقده ها وکینه ها را در اعماق توده ها بارور خواهد ساخت وکار به جاهای باریکی خواهد کشید. روز گذرانی وفرصت طلبی و بازی با افکار عامه، هر قدر هم با تظاهر و تزویر توأم باشد، مردم ما و جهان را در دراز مدت نخواهد فریفت وکاروان هستی ما بجایی نخواهد رسید.

اندکی پیش تو گفتم غم دل ترسیدم

که دل آزرده شوی ورنه سخن بسیار است.

همایشی در تقدیر از برندگان دومین مسابقهٔ شعر و ادب مسعود برگزار گردید



عصر چهارشنبه ۱۷جوزا ۱۳۸۵ مطابق ۷ جون ۲۰۰۶ میلادی همایشی با شکوه برای تقدیر از برندگان دومین مسابقهٔ شعر و ادب مسعود از سوی دفتر بنیاد شهید مسعود در بالروم هتل انتر کانتی ننتال دایر گردید. این مراسم باشکوه باحضور استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت، احمدضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، محمد یونس قانونی رییس پارلمان افغانستان، مارشال محمدقسیم فهیم مشاور ارشد رییس جمهور، انوارالحق احدی وزیرمالیه، سهراب علی صفری وزیر فواید عامه، عبید الله رامین وزیر زراعت، سید مخدوم رهین سرپرست وزارت اطلاعات وفرهنگ وجوانان، مسعوده جلال سرپرست وزارت امور زنان ، دکتر سلجوقی منشی ولسی جرگه و سیدمصطفی کاظمی از شخصیت های سیاسی وعضو پارلمان، استاد محمد اکبری از شخصیت های سیاسی وعضو پارلمان ، آقای عرفانی از شخصیت های سیاسی، جمع کثیری از اعضای پارلمان، وعده یی کثیر از فرهنگیان، اساتید دانشگاه ها وصاحبان قلم واندیشه، وجمعی کثیر از دوستداران و پیروان

دوستداران قهرمان ملی کشور با کلام دلنشین الهی توسط قاری دکتر ایاز آغاز یافت.

در شروع مراسم سید احمد هاشمی معاون فرهنگی وآموزشی بنیاد مسعود

گزارشی از فراخوان برای ارسال شعر و پارچهٔ ادبی و هنری به این مناسبت ارئه کرد و گفت که آثاری فراوان در زمان تعیین شده از شعر و پارچهٔ ادبی و اثر هنری به بنیاد رسید که هر کدام از آنها شایستهٔ تقدیر و تحسین بود. پس از جمع آوری آثار، از طرف بنیاد مسعود کمیسیونی جهت انتخاب آثار برگزیده توظیف گردید.

این کمیسیون آثار رسیده رابه سه دسته مقالات، اشعار و آثار هنری تقسیم بندی کردند. و از جمع آنها پنجاه اثر را مستحق جای‌زه شمردند.

سپس سید حامد نوری قطعه شعری از شاعر توانا وفیلمساز ایرانی حسین جعفریان قرائت نمود که کمتر کسی در جمع ۱۰۰۰ نفری بود که اشک حسرت در نبود قهرمان ملی کشور نریزد.

متعاقباً از رهبر جهاد و مقاومت استاد ربانی جهت سخنرانی به این مناسبت دعوت به عمل آمد که سخنرانی ایشان را در همین شماره به گونهٔ مستقل آورده ایم.

سپس آقای احمدشاه عبید به دکلمه قطعه یی ادبی وشعری پرداخت و متعاقباً احمدضیاء رفعت از شعرای خوب کشور واز برندگان این مسابقه شعر خویش را خواند، که با تشویق حاضرین همراه گشت.

سپس آقای احمدضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان به سخنرانی پرداخت و در قسمتی از سخنانش خویش گفت: «یاد کرد از شخصیت ها، الگوها وافتخارات در واقع جاودان ساختن روح بشری است. ومادر این محفل به تمجید از آفرینش گرانی می پردازیم، که جنبه های مختلف زندگی قهرمان ملی مارا در اشعارشان بازتاب داده اندوبنیاد شهید احمدشاه مسعود در کانکوری آثار شان را مستحق جایزه شناخته است.

در امتداد محفل جاوید فرهاد از برندگان مسابقه با خواندن شعر خویش مجلس راحال وهوایی دیگر بخشید که با تشویق وکف زدن های حضار همراه گردید.

سپس از عبدالعلی بارکزی نقاش معلول از دست و پا که اثرش تابلویی از تصویر قهرمان ملی برندهٔ جایزه شناخته شده است خواسته شد تا روی استیژ بیاید وبه صورت زنده با دندان تابلوی قهرمان ملی را با قلم ورنگ روی بوم نقاشی کار نماید که با تشویق وصف ناپذیر حاضران وتوجه خاص وویژه ژورنالیستان وفیلمبرداران مواجه گردید.

پس از آن شمس الحق آریانفر مدیر مسؤول روزنامهٔ اصلاح و یک تن از

مسعود خلیلی سفیر افغانستان در ترکیه:

تقوی و ایمان مسعود بزرگ است که او را در ذهن من و در قلب من جاداده است. تکرار می کنم لشکر شکست ناپذیر وی تقوای او بود.

***

دکتر سید مخدوم رهین سرپرست وزارت اطلاعات وفرهنگ وجوانان:

قهرمانانی که از میان مابرخاستند در عصر خود هریک آیتی بودند از جانبازی وفداکاری وایثار و ایمان به حق و حقیقت واستوار در راه، در عصر، در نبرد با اندیشه های اهریمن وکردارهای اهریمن ولی در این میانه مسعود فقید پدیده یی استثنایی بود

سخنرانی کرد ودر قسمتی از سخنانش گفت: « یک ملت به تاریخ خود ضرورت دارد. وسرنوشتش با تاریخش گره خورده است. دست آوردهای یک ملت ثمر درختی است که آن درخت تاریخ این کشور است. بهتر است قرائت خودرا از تاریخ معاصر مملکت خود باهم نزدیک بسازیم، ما یکی از ستارگان تاریخ حوادث اخیر در افغانستان که مادر امتداد آن قرار داریم شهید مسهود است. . به این خاطر مسعود یک مکتب بود وشهدای ما وشما یک مکتب بودند».

سپس محترم مسعود خلیلی سفیر افغانستان در ترکیه در سخنانی کوتاه گفت: «در باره آن یار نازنین ومحبوب خود شنیدم که محبوب محبوب هابود. شجاع شجاع ها بود. تا وقتی من او را دیده بودم من درخدمت شان بودم و من از

صحبت شان استفاده می کردم یک چیز درنهاد وی بود و آن تقوای وی بود. تقوی و ایمان بزرگ است که او را در ذهن من و در قلب من جاداده است. تکرار می کنم لشکر شکست ناپذیر وی تقوای او بود».

در اخیر مراسم داکتر سید مخدوم رهین سرپرست وزارت اطلاعات وفرهنگ وجوانان پشت میکروفون قرار گرفت و سخنانی کوتاه در پیوند با این محفل فرهنگی و شخصیت قهرمان ملی کشور ایراد کرد. در قسمتی از سخنانش چنین گفت:

قهرمانانی که از میان مابرخاستند در عصر خود هریک آیتی بودند از جانبازی وفداکاری وایثار و ایمان به حق و حقیقت واستوار در راه، در عصر، در نبرد با اندیشه های اهریمن وکردارهای اهریمن ولی در این میانه مسعود فقید پدیده یی استثنایی بود. با هرکدام از قهرمانان ونبرد آزمایان تاریخ کشورما در هرعصری که گذشتند، اگر مسعود فقید را مقایسه کنیم، مسعود در میان قهرمانان تاریخ کهنسال ما شخصیت استثنایی بود».

برندگان این مسابقه با ارایه قطعه شعر خویش برزینت وروحانیت محفل افزود

متعاقباً از مارشال محمدقسیم فهیم مشاور ارشد رئیس جمهور واز یاران قهرمان ملی کشور جهت سخنرانی دعوت به عمل آمد. وی در قسمتی از سخنانش گفت: « این حق مسلم برماست که همیشه از قهرمانان، تاریخ سازان وارزش سازان کشور خود قدردانی کنم. وتاریخ غرور وحماسه ملت ومردم ما زنده بماند. رأس این قهرمانان وتاریخ سازان این کشور، سلطان قلبهای مردم افغانستان برادر گرامی ما آمر صاحب شهید بو د».

سپس شعرای دیگر به مرثیه خوانی پرداخته وبرزینت ومعنویت مراسم افزودند. وپس از آن آقای سید مصطفی کاظمی

در پایان مراسم لوح های تقدیر وجوایز برندگان دومین مسابقهٔ شعر و هنر مسعود توسط محترم استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت عبید الله رامین وزیر زراعت، مسعوده جلال سرپرست وزارت زنان، عنایت الله نظری وزیر پیشین مهاجرین، ومهندس محمد اسحاق از یاران مسعود شهید اهداء گردید. ومحفل با دعوت حاضران به صرف عصریه پایان یافت.

شایان ذکر است که علاوه برجوایز تهیه شده از سوی دفتر بنیاد مسعود، ۱۰ دستگاه مبایل از سوی شرکت المصور، ۵ دستگاه مبایل از سوی شرکت پامیرایر، و ۵۰۰۰۰ افغانی از سوی شرکت آریازمین به برندگان این مسابقه اهداء گردید.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالیترین آرزوهای ملت

دور هفتم | سال پنجم | شمارهٔ نهم | چهارشنبه ۲۴ جوزا ۱۳۸۵ | ۱۷ جمادی الأول ۱۴۲۶ — | June 14 , 2006

استاد در دیدار با جمعی از محصلان دانشگاه عبدالله بن مسعود ولایت تخار:

بسیار مطالعه کنید و هر کتابی که به دست تان می رسد آن را بخوانید

اشاره

۲۱ جوزا جمعی از محصلان دانشگاه عبدالله بن مسعود شهر تالقان با محترم استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در دفتر مرکزی جمعیت در کابل دیدار کردند. این گروه از محصلان در یک سیر علمی جهت دیدار از دانشگاه های مرکز و دانشگاه البیرونی در کاپیسا به مرکز آمده بودند. استاد در این دیدار سخنانی کوتاه و سودمند برای آنان ایراد کرد و پس از ایشان محصلی به نمایندگی از آنان از استاد به دلیل تأسیس دانشگاه عبدالله بن مسعود به همت ایشان در دیار هجرت و سپس انتقال آن بعد از پیروزی جهاد به ولایت تخار تشکر و سپاسگزاری کرد. اینک سخنان استاد در این دیدار را در زیر می آوریم:

الحمدلله و الصلاة و السلام علي رسول الله

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

این گشت و سیر علمی و تفریحی و دیدار از مراکز تحصیلی و صحبت و آشنایی با مردم در دوران تحصیل بسیار مهم و ارزشمند است. من هم در دورانی که کشور را خطر کمونیزم تهدید می کرد دانشجو بودم. در آن دوران همچون شما به ولایات قندهار و هرات و... با جمعی از دوستان سفر می کردیم تا مردم را از شر کمونیزم آگاهی بدهیم. ولی الحمدلله شما در شرایطی قرار دارید که در کشور امنیت و ثبات حاکم است اما در این جا تذکر این مسأله را به شما لازم می دانم که در این زمان صاحبان اندیشه هایی نو غیر اسلامی در شرایط کنونی می خواهند در جامعهٔ ما جای پای پیدا کنند بنا بر این شما مسؤولیت دارید تا با ترویج اندیشهٔ اسلامی جلو رشد چنین اندیشه هایی بگیرید.

استاد همچنان گفت: شما وارث یک حماسهٔ بزرگ (جهاد و مقاومت) هستید و بدون شک کسانی از اعضای خانواده های شما مانند پدر، برادر، کاکا و... بااختیار نمودن شهادت افتخارات بزرگی را نصیب شما گردانیده اند بناءً توصیهٔ من به شما این است که متوجه مسؤولیت های تان باشید. چون مسؤولیت شما، به ویژه دانشجویان دانشکده هایی که هدف شان هدایت گری و روشنگری است، بسیار سنگین است.

استاد افزود: درست است که پس از پیروزی مجاهدین کم و بیش کمبودهایی وجود داشت چون ما و شما اگر در تاریخ انقلاب های جهان نظر بیفگنیم در می یابیم که پس از پیروزی تحولات جامعه -به خصوص کشمکش های نظامی - درست کنترل نشود، و کسانی هم وجود نداشته باشند که حضور خویش را در جامعه از لحاظ فکری، سیاسی، نظامی نیرو بخشند یقیناً دشمنان با استفاده از چنین وضعیتی می کوشند که پیروزی به دست آمده ثمربخش نباشد. چنانچه شما این جریان را در تاریخ کشورمان شاهد بودید که پس از پیروزی مجاهدین دشمنان افغانستان تبلیغات وسیعی را برضد آنان به راه انداختند و آنان را به کشتن، بستن، غصب اموال مردم و... متهم کردند و ارزش های جهاد و پیروزی و فداکاری مجاهدین را نادیده گرفتند و با امواج تبلیغات بیرونی و خارجی همنوا شدند. بناءً این شما مسؤولیت بزرگی را در قبال این افتخارات دارید و برای مردم این پیام را برسانید که چه حوادثی در کشور ما به میان آمد؟ عوامل به وجود آمدن و دست آوردهای آن ها چیست؟

استاد در بخشی دیگر از سخنانش چنین گفت: پیروزی دوم مجاهدین پیوست بود با فروپاشیدن طالبان و حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. ولی قدرت به صورت کامل به دست مجاهدین نیامد ص۶

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار

باز هم از بی برک شدن موتر امریکایی

هنوز خاطرهٔ تلخ هشت جوزا و بی برک شدن موتر امریکائی و اثرات ناگوار آن از میان نرفته که بار دیگر خبر از بی برک شدن های مجدد می رسد. یک موتر نظامیان امریکائی در منطقهٔ ده سبز با یک موتر منی بس تصادم نمود که به مجروح شدن پنج تن انجامید. و روز سه شنبه نیز موتر دیگری بعد از بی برک شدن با یک موترسایکل سوار تصادم نمود و بعدا از جاده منحرف گردید و داخل یک خانهٔ مسکونی شد. در این ماجرا یک کودک سیزده ساله جان باخت اما به ساکنین منزل صدمه یی وارد نشد.

در مورد پیشرفت تکنولوژی در امریکا سخن زیاد گفته شده است. به گونهٔ مثال می گویند که تکنولوژی نظامی امریکا به حدی پیشرفته است که ماهواره های جاسوسی این کشور می توانند از جو خارج از اتمسفیر حتی افراد را در روی زمین شناسائی کنند و به همین دلیل عده یی شک می کردند که چگونه امریکا قادر به تشخیص اسامه و ملا محمد عمر در مناطق کوهستانی افغانستان و پاکستان نیست. به نظر راقم سطورهذا و با توجه به جریانات اخیر، یا تبلیغات در مورد تکنولوژی نظامی امریکا بیشتر گزافه است تا واقعیت ویا این که موجودیت برک در موترهای نظامیان امریکائی طبق قوانین مبارزه با تروریسم ضروری پنداشته نمی شود.

سفیر امریکا و مشوره های دوستانه!

جاوید لودین رئیس دفتر رئیس جمهور در یک کنفرانس مطبوعاتی سخنانی بر زبان آورد که بسیار عبرت آموز بود. بحث بر سر تقرر فرماندهٔ جدید شهر کابل امان الله گذر است که سازمان های مدافع حقوق بشر وی را در فهرست ناقضان حقوق بشر شامل می دانند. جاوید لودین در جواب به سادگی گفت که در تقرر قوماندان شهر کابل، رئیس جمهور با سفیر ایالات متحدهٔ امریکا در کابل مشوره نموده بود!

طبیعی است که وقتی یک قوماندان امنیه به مشورهٔ دوستان خارجی عز تقرر حاصل می کند، وزیران و معینان و والیان و... صد البته که از فلتر خارجی عبور می کنند اما آیا واقعا آقای لودین به چنین اعتراف ماندگار در تاریخ نیازمند بود؟

آیا این اعتراف ثبوتی بر این ادعای مخالفان نیست که دولت کرزی از خود اختیاری ندارد و همه کارها در دست دیگران است؟

قابل توجه قوماندان امنیهٔ شهر کابل

نگارنده چند روز قبل در مارکیت سبزی یا به اصطلاح مندوی سبزی با ماجرائی برخوردم که بسیار جالب بود. سه تن از افراد پلیس های حوزهٔ مربوطه تلاش داشتند تا کراچی های مملو از سبزی را از کنار جاده دور کنند و راه را برای عبور عراده ها باز سازند. در این موقع مشاجره یی بین پلیس و بعضی کراچی داران رخ داد. خیار فروشی که نمی خواست کراچی خود را از جاده کنار بکشد می گفت که مرا نمی شناسی که از گذر هستم؟ نه تنها من از گذر هستم که حتی بادرنگ های من هم از گذر است. دیگری می گفت که زمین های ما در پائین آب منطقهٔ گذر قرار دارد و دیگر مدعی بود که بالای چند نفر در گذر قرض دارد! خلاصه هرکدام سعی داشتند تا به شکلی خود را به گذر رابطه بدهند.

پلیس هم چاره را خصر دید و دست بدامن تلفن شد و موضوع را به حوزه خبر داد که در برابر این همه تعلقداران گذر چه کار باید بکنند؟

بیاد می آورم که در دوران حکومت مجاهدین، رئیس مبارزه با جرایم جنائی وزارت داخله به مشکل مشابه مواجه بود. بعضی از فرصت طلبان به وی مراجعه می کردند و مدعی می شدند که من از نزد آمر صاحب مسعود آمده ام. ایشان به شما سلام رسانیدند و گفتند که کار مرا انجام دهید.

چند روز بعد آمر مبارزه با جرایم جنائی که سخت از این وضع دچار مشکل شده بود، به دیدار آمر صاحب شهید رفت و موضوع را با وی در میان گناشت. آمر صاحب گفت که هرکسی که از جانب من به شما سفارش آورد، نه تنها کارش را انجام ندهید بلکه وی را سخت سرزنش کنید. با این کار مشکل حل شد.

اکنون شما هم به همه حوزه های مربوطه اطلاع دهید که هرکس از نام شما سوء استفاده کند حتی اگر در کراچی اش بادرنگ گذر هم بار باشد باید سرزنش گردد!

د مخدره موادو پر ضد سیمه ایز کنفرانس

راوی

تیره ورځ د جوزا په ۲۳ نیټه په کابل کښي د مخدره موادو سره د مبارزي په موخه یو سیمه ایز کنفرانس جوړ شو. ددي کنفرانس اصلي موضوع د هغه لاري چاري لټول وو چي څنګه د یو مشترک سیمه ایز مرستي په مټ له افغانستان څخه نورو هیوادونو ته د مخدره موادو د قاچاق مخه ونیول شي. دا په داسي حال کښي وه چي د دوشنبي په ورځ د بدخشان په ولایت کښي د کوکنار د بزګرانو او پولیس تر منځ په نښته کښي یو بزګر مړ او دوه تنه نور ټپیان شول. دا پیښه هغه مهال رامنځ ته شوه چي پولیس د کوکنار د کروندو د اړولو هڅه کوله. د دي شخړي په پایله کښي پولیس دي ته اړ شو چي له دي سیمي نه ووځي.

په دي سیمه کښي ځائي خلك او بزګران وائي چي دولت او نړیواله ټولنه خپلي ژمني تر پښو لاندي کړي او هغوي ته د بدیل کښت کوم بند او بست نه دي کړي. نړیواله ټولنه د افغانستان بزګرانو سره ژمنه کړي وو چي هغوي سره مرسته کوي ترڅو د کوکنار پر ځاي بل شیان وکري.

د بدخشان پیښه یواځیني پیښه نه ده بلکه په نورو ځایونو کښي هم داسي پیښي رامنځ ته شوي دي خو د بدخشان دا تاوتریخوالي او د خلکو په مقابل کښي د پولیس شاتګ کیداي شي د هغو بزګرانو د تشویق لامل ګرځي چي تر اوسه پوري دهغوي کوکنار کروندي نه دي اړول شوي.

له بلي خوا په کابل کښي د امریکا د متحدو ایالاتو سفیر رونالد نیومن ویلي دي چي د افغانستان د سهیلي سیمو تاوتریخوالي او جړو ته د مخدره موادو قاچاق کوونکي لمن وهي.

دي له افغان دولت څخه غوښتنه وکړه چي



خپل حضور په لرو پرتو ولایاتو کښي تقویت کړي او د دولت چارواکو باید خلکو سره ښه چلند وکړي.

دا په داسي حال کښي ده چي د جمهور رئیس د دفتر مشر جاوید لودین تیره ورځ د خبریالانو سره په خبرو کښي اعتراف وکړه چي دکابل د ښار د نوي قوماندان امان الله ګذر په ټاکنه کښي ولسمشر د امریکا سفیر سره مشوره کړي وو.

جوته خبره ده چي که چیري ولسمشر د یو امنیه قوماندان په ټاکنه کښي د امریکا له سفیر څخه مشوره اخلي. نو د ولایاتو د والیانو په ټاکنه کښي هم هرو مرو ورسره مشوره لازمي ده. که په داسي ټاکنو په پایله کښي کوم مشکل رامنځ ته کیږي، په دي کښي یوازي د کرزي قصور نه دي.

همدا اوس نه یوازي په ولایات، بلکي په پلازمینه کابل کښي د دولت په تشکیلاتو کښي اداري فساد داسي یو لوړ کچ ته رسیدلي ده چي د افغانستان په تاریخ کښي ځاري نې نه وو لیدل شوي. نو داسي حالت په خپله د طالبانو په ګټه تمامیږي او اصلا دا غلط کارونه هماغه

پایلي رامنځ ته کوي کوم چي د امریکا د سفیر په ادعا د مخدره توکیو قاچاق کوونکي نې کوي او هغه په سهیلي سیمو کي جړو ته لمن وهل دي.

د همدي شرایطو په نظر کي نیولو سره د سنلس په نامه یو اروپائي شورا له پخوا څخه په افغانستان کي د کوکنار د کښت د قانوني ګرځولو هڅه روانه کړي ده تر څو له ټریاکو څخه د درملو په جوړولو کښي کار واخیستل شي خو تر اوسه پوري د افغان دولت او نړیوال ټولني موافقت ورسره نه دي شوي. دا شورا له پخوا څخه دا پیښنوني کړي وو د مخدره موادو په مقابل کښي مبارزه کیداي شي په افغانستان کښي تاوتریخوالي ته لمن ووهي.

د طالبانو د رژیم د نسکوریدو نه څه کم پنځه کالونه وروسته، اوس هم افغانستان په نړي کښي د ټولو نه زیات اپین تولیدوي او په دي هیواد کښي د نړیوال قوتونو د شتون با وجود. له افغانستان څخه صادر شوي مخدره مواد په پراخه پیمانه اروپائي بازارنو ته سر ښکاره کوي. دا چي په زرهاوو ټنه مخدره مواد له کومو لارو څخه بهر ته قاچاق کیږي او کوم کسان په دي دنده بوخت دي مهم پوښتني دي خو تر اوسه پوري په دي اړه رسمي ځواب چا نه دي ورکړي.

په کابل کښي د مخدره موادو پر ضد کنفرانس که د داسي یو سیمه ایز هم کاري زمینه برابره کړي چي اطلاعات تبادله شي او د دي مرستي له لاري د مخدره موادو د قاچاق مخه ونیوله شي دا په دي نړیوال مبارزه کښي بري پر لور یو ډیر اوچت ګام دي خو په دي شرط چي په لومړي ګام هغه لوي قاچاقبران ونیول شي چي تر اوسه پوري هیچا په هغوي باندي د لاس اچولو جرئت نه دي کړي. آیا داسي یو جرئت شته؟